

ابن قتیبه دینوری در عرصه ادب و تاریخ

ابن قتیبه دینوری از آن جمله ادبای درجه اولی است که در اکثر عرصه‌های علمی و ادبی اسلامی دست داشته است. او علاوه بر ادیب بودن، مورخی چیره دست نیز بوده است. به بهانه سالروز تولد این ادیب و مورخ بزرگ اسلامی، به زندگی و آثار او می‌پردازیم.

آشنایی با دانشمندان اسلامی؛

ابن قتیبه دینوری در عرصه ادب و تاریخ

خبرگزاری رسا - ابن قتیبه دینوری از آن جمله ادبای درجه اولی است که در اکثر عرصه‌های علمی و ادبی اسلامی دست داشته است. او علاوه بر ادیب بودن، مورخی چیره دست نیز بوده است. به بهانه سالروز تولد این ادیب و مورخ بزرگ اسلامی، به زندگی و آثار او می‌پردازیم.

درآمد

ادبیات و دانش‌های زبانی یکی از تجلی‌گاه‌های عظمت و اهمیت علم و فرهنگ اسلامی است. توجه به ادب و زبان، علاوه بر بستری که در قبل از اسلام در سرزمین عربستان به عنوان مهد اسلام وجود داشت، ربط وثیقی به معجزه ختمیه حضرت محمد مصطفی(ص) به عنوان پیامبر اسلام دارد. قرآن اوج و منتهای زبان عربی است و جای جای آن پربرترین و شیواترین جملات، به عربی مبین گوش را نوازش می‌دهد.

تلاش عاشقانه مسلمین در فهم زیبایی‌های زبان قرآن در دوران تمدن اسلامی، معارف فرهی‌ای را در ادب عربی و سایر زبان‌های تمدن اسلامی مثل فارسی، به وجود آورده است. مرحوم استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب این‌گونه در باب ادب در تمدن اسلامی سخن می‌گوید: «اهمیت میراث اسلامی نه به علم و صنعت آن محدود شد، نه به فلسفه و عرفان آن.

ادب اسلامی نیز از همان تنوع و نشاط حیاتی بهره یافت که علم و فلسفه اسلامی را بلند آوازه کرد. در سراسر این ادب، نفوذ قرآن محسوس بود - هم در اسلوب بلاغت هم در قصه‌ها و مواد و هم در فکر و اخلاق. از این روست که این ادب ارزنده را به هر زبانی که هست، خواه عربی و خواه فارسی، خواه ترکی و خواه سندی - جز ادب اسلامی نمی‌توان خواند.

ادب اسلامی از حیث مواد، از حیث زبان، از حیث زمان، و از حیث مکان، تنوع کم نظیر بسیار جالبی عرضه می‌دارد. از حیث مواد، حتی گاه جامع اضداد به نظر می‌آید. ادبی است یک جا آکنده از جزم و یقین و یک جا آکنده از شک و حیرت. یک جا سرشار از زهد و پارسائی است و یک جا سرشار از لذت جوئی. گاه در صنعت و تکلف غرق می‌شود و گاه در سادگی و بی‌پیرایگی. از حیث زمان تمام گذشته مسلمین را پس پشت دارد و از حیث مکان تمام قلمرو اسلام را. از لحاظ زبان اگر چه مهمترین شاهکارهای آن تعلق به عربی و فارسی دارد، در ترکی وارد و نیز آثار ارزنده‌ای به وجود آورده است.

به علاوه، زبان‌های دیگر هم مثل بربری، سواحلی، سومالی، آلبانی، ازبکی، کردی، بلوچی، پشتو، سندی، گجراتی، بنگالی، تامیلی نیز تحت تاثیر اسلام آثار ادبی قابل توجه ابداع کرده‌اند. از این میان عربی و فارسی بود که در دنیا تاثیر عظیم کرد و فقط وقتی با سقوط خلافت عباسیان ادب عربی و با پایان تیموریان ادب فارسی به راه انحطاط و رکود افتادند، دربار عثمانی موجب تشویق ادب ترکی شد و دربار مغول هند، سبب رواج شعر اردو.

ادب عربی، که زبان آن پشتوانه‌ای مثل قرآن داشت، منبع الهامی شد برای ادب فارسی. شک نیست که زبان و فرهنگ پهلوی نیز - مثل ذوق و نبوغ ایرانی- در توسعه ادب عربی تاثیر قوی داشت. در شعر اسلوب ساده و طبیعی جاهلی - که در اصالت آن تردیدی مبالغه‌آمیز اظهار شده است- جای خود را به شیوه‌های تازه داد؛ چنان‌که نثر نیز در دست نویسندگان درباری وسیله‌ای شد برای اظهار قدرت در لغت و بلاغت. در واقع شکوه فرهنگ و تمدن عهد عباسی در شعر و ادب آن روزگاران نیز انعکاس یافت و ادب عربی را سرمشق فارسی سربان کرد.

ابونواس شاعر مسلمان دربار هارون الرشید، از اخلط، شاعر مسیحی دربار اموی‌ها در خمريات سبق برده و بعضی آثار او به رودکی، بشار مرغزی و منوچهری نیز الهام داد. ابو الطیب متنبی در قصیده سرایی شهرت بهتری داشت و ابوتمام را تقریباً در سایه افکند و مثل آنها منشا الهام شد و برای بعضی شاعران ایران - عنصری، منوچهری و حتی سعدی الگو قرار گرفت.

ابو العلاء معری شاعر و فیلسوف نابینای عرب که با خیام و حافظ در فکر حیرت و شک ارتباط معنوی داشت، شعر را وسیله‌ای کرد برای بیان اندیشه‌های حکمت آمیز.

در نثر مقامه نویسی که بدیع الزمان و حریری آن را به اوج رسانیدند، در فارسی هم در پیدایش مقامات حمیدی تاثیر داشت و در ایجاد گلستان سعدی. بسیاری از شاعران فارسی - نه عرب- ذواللسانین بودند؛ فارسی و عربی. مسعود سعد و امیر خسرو دهلوی به هندی نیز شعر داشته‌اند؛ چنان‌که نوائی و فصولی شاعران ترک نیز فی المثل شعر فارسی دارند.

این جهان وطنی اسلام شعر و ادب آن را از حیث فکر، از حیث سبک و از حیث قالب چنان جهانی کرد که حتی در شعر و ادب اروپا نیز - در قرون وسطی و بعد از آن- توانست تاثیر و نفوذ کند.

ادب اسلامی به عنوان آنچه علم ادب خوانده می‌شود، در اصل ظاهراً عبارت بوده است از مجموع اطلاعات و آدابی که برای یک کاتب درباری لازم بوده است تا به وسیله آنها بتواند در دستگاه خلیفه یا سلطان وقت بر همگنان در امر انشاء تفوق غلبه بیابد. بدین‌گونه، چون هدف تربیت کاتبان لایق بود، ضرورت داشت که ادیب صرف نظر از ادب نفس که لازمه تقرب سلطان محسوب می‌شد، از آنچه دانستنی هست نیز طرفی اخذ کند تا بدان وسیله بتواند به قدر فهم و لیاقت در خدمت سلطان ترقی نماید.

اینکه ادب را به عنوان علم، عبارت دانسته‌اند، از اخذ طرفی از هر چیز، ناشی است از همین هدف تربیتی عصر. همین نکته است که تنوع ادب اسلامی را افزوده است و از تاریخ و فقه تا حکمت و عرفان را هم در قلمرو آن وارد ساخته. در قصه‌پردازی شاید به خیال‌پردازی و انترتیک سازی چندان توجه نشده باشد. اما واقع بینی صفت بارز اسلوب این قصه‌هاست. کتب جاحظ، لطف بیان دارد، اما غالباً فاقد تخیل است و در مقامات بدیع الزمان و حریری نیز اهمیت کار در لطافت بیان و قدرت توصیف است، نه در تخیل و ابداع. حتی رساله الغفران معری، که یک طلایه با شکوه کمدی الهی دانته است، غالباً در امواج الفاظ و عبارات مصنوع غوطه می‌خورد.

از حیث خیال انگیزی و انترتیک‌سازی، زبان فارسی خیلی قوی‌تر است. نه فقط شاهنامه فردوسی گواه این دعویست، آثار نظامی و بیروان بزرگ او مثل امیر خسرو، خواجو و جامی نیز این ادعا را تأیید می‌کند. بدین‌گونه ادب فارسی اگر از بعضی جهات به پای ادب عربی نمی‌رسد، از بعضی جهات دیگر بر آن برتری دارد و با این‌همه، هر دو ادب جلوه‌هایی هستند از ادب اسلامی. این ادب سرشار پر تنوع، طبیعی است که در محیط اطراف خویش نفوذ کرده باشد؛ از این رو تعجب نباید کرد که از تأثیر آن در ادب اروپا سخن در میان آید. درست است که مسلمین از ادب یونانی و رومی کمتر اطلاع درست بدست آورده‌اند، اما نفوذ ادب عهد شرک در بعضی قصه‌های آنها باقی است. بیش از هر کتابی در الف لیل این نفوذ را می‌توان معاینه یافت. این یک قصه مشهور ایرانی است که به عربی نقل شد و تدریجاً از مآخذ هندی، یونانی، عبری و مصری هم بعضی عناصر در آن وارد گشت و دربار خیال انگیز هارون الرشید نیز قصه‌های عاشقانه و لطیف بسیار بدان در افزود. وقتی کتاب صورت نهایی خویش را یافت، ادب عربی و فارسی به انحطاط افتاده بود و این نکته آن را از سرنوشت کلیله و دمنه و مرزبان نامه و سندباد نامه که گرفتار صنعتگران بی‌ذوق شدند، نجات داد و اجازه داد که این مجموعه عظیم، قصه‌های لطیف خیال انگیز در اروپا نیز راه خود را پیدا کند». (کارنامه اسلام ص 159)

فرزانه‌ای در دو عرصه

در این فضا است که ادب اسلامی سر بر می‌آورد و کتاب‌هایی در ادب اسلامی پا به عرصه وجود می‌گذارد که از جمله آنها می‌توان کتاب الشعر و الشعرای ابن قتیبه دینوری را که یکی از ارکان چهارگانه ادب عربی است را نام برد. ابن قتیبه دینوری از آن جمله ادبای درجه اولی است که در اکثر عرصه‌های علمی و ادبی اسلامی دست داشته است؛ او علاوه بر ادیب بودن، مورخی چیره دست نیز بوده است. به بهانه سالروز تولد این ادیب و و مورخ بزرگ اسلامی، به زندگی و آثار او می‌پردازیم.

ابن قتیبه دینوری در الفهرست

نام ابن قتیبه در اول یکی از مقالات کتاب جاودانه الفهرست ابن ندیم آمده است و از جمله ادبایی شمرده شده است که بین مکتب ادبی بصره و کوفه جمع نموده است؛ این اولویت پرده از اهمیت و جایگاه ابن قتیبه در ادب اسلامی در زمان خود بر می‌دارد. ابن ندیم در الفهرست، علاوه بر زندگی نامه ابن قتیبه، از آثار ادبی و تاریخی این دانشمند پرکار و پر تألیف نام می‌برد. ابن ندیم می‌گوید: «ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه کوفی، متولد همانجا، که به مناسبت قاضی بودنش در دینور، دینوری نامیده شده و نسبت به بصریان غلوی داشت، ولی دو شیوه را به هم آمیخت و در کتاب‌هایش از کوفیان نقل کرده و در روایت صادق و عالم به لغت و نحو و غریب قرآن و معانی قرآن و فقه و شعر بود و تألیفات و تصنیفات زیادی دارد که محال جبل به آن رغبت دارند. ولادتش در اول ماه رجب و وفاتش در سال دویست و هفتاد بود». (الفهرست، فن سوم از مقاله دوم ص 130)

ابن ندیم سپس به برشمردن میراث علمی و ادبی ابن قتیبه می‌پردازد. «این کتاب‌ها از اوست؛ معانی الشعر مشتمل بر دوازده کتاب به این نام‌ها: کتاب الفرس در چهل و شش باب، کتاب کتاب الابل در شانزده باب، کتاب الجرب در ده باب، کتاب العرود در بیست باب، کتاب الدیار در ده باب، کتاب الریاح در بیست باب، کتاب السباع و الوحوش در هفده باب، کتاب الهوام در بیست و چهار باب، کتاب الایمان و الدواهی در هفت باب، کتاب النساء و الغزل در یک باب، کتاب الشیب و الکبر در هفت باب و کتاب تصحیف العلماء در یک باب. کتاب عیون الشعر مشتمل بر ده کتاب باین نام‌ها: کتاب المراتب، کتاب القلائد، کتاب المحاسن، کتاب المراتب، کتاب المشاهد، کتاب الشواهد، کتاب الجواهر. کتاب عیون الاخبار مشتمل بر ده کتاب: کتاب السلطان، کتاب الحرب، کتاب السوود، کتاب الطبایع، کتاب العلم، کتاب الزهد، کتاب الاخوان، کتاب الحوائج، کتاب الطعام، کتاب النساء.

کتاب التحفه از این کتاب سه جزء را دیدم که در حدود ششصد ورق به خط نازک بود و تقریباً دو جزء کم داشت و از مردم جبل که جویای آن شدم، گفتند موجود باشد و از کتاب بندی بزرگ‌تر و بهتر است و باز از کتاب‌های اوست: کتاب الحکایه و المحکی، کتاب ادب الکاتب، کتاب الشعر و الشعراء، کتاب الخیل، کتاب جامع النحو، کتاب مختلف الحديث، کتاب اعراب القرآن، کتاب دیوان الکاتب، کتاب فرائد الدرر، کتاب خلق الانسان، کتاب القرات، کتاب المراتب و المراقب من عیون الشعر، کتاب التسویه بین العرب و العجم، کتاب الانواء، کتاب المشکل، کتاب دلائل النبوه، کتاب اختلاف تاویل الحديث، کتاب المعارف، کتاب جامع الفقه، کتاب اصلاح غلط ابی عبید فی غریب الحديث، کتاب المسائل و الجوابات، کتاب العلم در حدود پنجاه ورق، کتاب المسیر و القداح، کتاب حکم الامثال، کتاب الاشربه، کتاب جامع النحو الصغیر، کتاب الرد علی المشتبه، کتاب الادب العشرة، کتاب غریب الحديث (که خوب از عهده برآمده)». (همان ص 131 و نیز ن.ک: وفيات الاعیان ج 2 ص 20 شماره 328)

میراث ابن قتیبه در تاریخ

«ابو محمد عبدالله بن مسلم معروف به ابن قتیبه مروزی دینوی، از ادبا و مورخان اهل سنت در قرن سوم هجری است. وی آثاری در ادب، حدیث، قرآن و تاریخ دارد که بسیاری از آن‌ها به دلیل کثرت استفاده بر جای مانده است. پدر وی از مرو بوده، خود او در بغداد متولد شده و مدتی در شهر دینور قاضی بوده است.

از جمله مشایخ وی در بغداد، محمد بن سلام جمحی (ص 231) یحیی بن اکثم قاضی (242) ابوحاتم سهل بن محمد سجستانی (م 248 یا 255) و شماری دیگر از محدثان و اخبارین برجسته این دوره بوده‌اند. برخی از آثار وی عبارتند از غریب القرآن، مشکل القرآن، مختلف الحديث، دلائل النبوة، الاختلاف فی اللفظ، ادب الکاتب، الاسئله و الاجوبه، فضل العرب علی العجم، عیون الاخبار، طبقات الشعراء و

المعارف مهم‌ترین اثر تاریخی وی کتاب المعارف است. این اثر به صورت دائرة المعارف مختصری درباره دانستنی‌های لازم درباره تاریخ اسلام تدوین شده است. به همین دلیل در نوع خود کار بدیعی است. عجیب آن است که مسعودی، ابن قتیبه را متهم کرده که مطالب کتاب‌های ابوحنیفه دینوری را برداشته و در کتاب‌های خود می‌گذارد». (منابع تاریخ اسلام ص 138 و نیز ن. ک: الکنی و الالقاب ج 1 ص 439 و نیز ن. ک: هدیة الاحباب ص 94)

«فصلی از کتاب معارف که در حکم یک کتاب شرح حال هست، به صحابه اختصاص دارد. پس از آن فصلی به خلفا و شرح مختصری از آنان را تا زمان المعتمد عباسی به دست می‌دهد. فصلی به اشراف و بزرگان که هر کدام به نوعی در حوادث مهم زمان نقشی داشته‌اند، اختصاص داده شده است. در ادامه فصلی در شرح حال تابعین و پس از آن فصلی در معرفی اهل حدیث آمده است. قاریان، نسب شناسان و اخباریان، راویان اشعار، معلمان و مهاجران، پس از آن آمده است. بحثی از الاوائل، فتوحات، حاکمان عراق، فرقه‌ها، کاتبان، و دبیران شاهان و امیران، شاهان حبشه، حیره و عجم نیز در انتها آمده است. این فهرست تایید می‌کند که ابن قتیبه در صدد تالیف کتابی جامع و دائرة المعارفی تاریخی اما مختصر بوده است. بهترین چاپ، چاپ ثروت عکاشه است که در قم نیز توسط انتشارات رضی (سال 1373) افسست شده است.

از دیگر آثار وی که آگاهی‌های تاریخ فراوانی در آن آمده، کتاب عیون الاخبار است. این کتاب از جمله آثار ادبی است که هر باب آن اختصا به یک موضوع اجتماعی سیاسی یا ادبی است که هر باب آن هر نقل تاریخی، شعر، حکایت یا کلمه قصاری که پیرامون آن موضوع نقل شده جمع آوری می‌شود.

کتاب مزبور در چهار جلد توسط دارالکتاب العربی بیروت منتشر شده و در قم نیز افسست شده است. کتاب الشعر والشعراء ابن قتیبه نیز حاوی شرح حال شمار فراوانی از شاعران برجسته دوران جاهلی و اسلامی بوده و موافق فراوانی برای تاریخ ادبیات در آن آمده است. از دیگر آثار تاریخی که به وی منسوب شده، کتاب الامامة و السياسة است. ثروت عکاشه مصحح کتاب المعارف نسبت این کتاب را به ابن قتیبه نادرست می‌داند. نخست بدان دلیل که در شرح حال‌هایی که برای وی نوشته‌اند، جز ابوعبدالله توزی معروف به ابن شباط، چنین کتابی برای او یاد نکرده‌اند. در متن کتاب آمده که مؤلف در دمشق بوده، در حالی که ابن قتیبه از بغداد جز به دینور نرفته است. نیز در متن کتاب از ابولیلی نقل شده در حالی که او در سال 148 در کوفه قاضی بوده و این 65 سال قبل از تولد ابن قتیبه است. چهارم آن که در کتاب، از زنی که مؤلف او را دیده، خبری درباره فتح اندلس آمده که باز سال تولد ابن قتیبه سازگاری ندارد. مؤلف از حمله موسی بن نصیر به مراکش یاد می‌کند که این شهر را یوسف بن تاشغین در سال 445 ساخته و این با سال مرگ ابن قتیبه 276 سازگار نیست. شاید مهم ترین دلیل عدم صحت نسبت کتاب الامامة و السياسة به ابن قتیبه، عدم سازگاری نثر آن با دیگر آثار او باشد. افزون بر آن، شیوه نگارش وی در تاریخ، میان آنچه در المعارف انجام داده با آنچه در الامامة آمده، توافق و تناسب ندارد. گرایش مذهبی او با محتوای آنچه در الامامة درباره سقیفه و داستان اختلاف مسلمانان در آن دوره آمده، همخوانی ندارد. البته وی در کتاب الاختلاف عبارتی دارد که توهم گرایش شیعی را نسبت به او برانگیخته که عکاشه خواسته است از آن پاسخ دهد. وی با مقابله با مشبه، تا اندازه‌ای خود را با اهل حدیث که سنیان سخت متعصباند روبرو کرده است. در جای دیگری نیز از اهل حدیث به دلیل پنهان کردن فضائل امام علی (ع) به ویژه حدیث غدیر ناراحت است و شکایت می‌کند که چرا باید به خاطر مخالفان (روافض) اهل حدیث این حقایق را کتمان کنند. با این حال او سنی است و هیچ علقه شیعی ندارد. به هر روی کتاب الامامة و السياسة حتی اگر از ابن قتیبه نباشد، از آثار با ارزش تاریخی از قرن سوم است. این کتاب در اصل تاریخ خلفاست. بحث از جانشینی ابوبکر آغاز شده و با تکیه بر حوادث عراق، تا کشته شدن امیر پیش رفته است. بسیاری از اخبار این کتاب، نقل‌های منحصری است که قرائن تاریخی دیگر مؤید آنهاست؛ اما عین آنها در نقل‌های دیگر نیامده است. به همین دلیل، باید این اثر را منابع اولیه تاریخ خلفا نخستین تا عصر اول عباسی دانست. چاپ پیشین الامامة و السياسة در قاهره، به سال 1388 توسط مطبعة مصطفى البابي الحلبي انجام شده است. چاپ جدید با فهارس توسط علی شیری چاپ شده است». (همان ص 138 و نیز ن. ک: مقدمه المعارف ص 31)

مقام ابن قتیبه در ادب

کتاب الشعر و الشعراء ابن قتیبه یکی از ارکان چهارگانه ادب عربی است که معیار ادب اسلامی و عربی است. استاد دکتر آذرتاش آذرنوش درباره این کتاب می‌گوید: «کتاب الشعر و الشعراء ابن قتیبه از دیرباز مورد توجه دانشمندان قرار داشته است و نظر به قدمت کتاب، صدها مؤلف از آن نقل کرده‌اند.

این کتاب را دوخویه در سال 1903 میلادی در لندن منتشر ساخت. اصل کتاب شامل اخبار شاعران جاهلی و اسلامی تا قرن سوم هجری است. مقدمه‌ای که ابن قتیبه بر آن نگاشته، نحوه ادراک دانشمندان کهن را از شعر و نیز چگونگی نقد ادبی را در آن روزگاران بازگو می‌کند. این مقدمه از چنان اهمیتی برخوردار است که خاورشناس بزرگ فرانسوی، گودفروا دمونین به ترجمه و شرح آن دست برد و متن سی و پنج صفحه‌ای مقدمه را در کتابی شامل 150 صفحه به قطع وزیری همراه با متن منقح عربی به خوانندگان فرانسوی عرضه داشت». (مقدمه الشعر و الشعراء ابن قتیبه در آیین نقد ادبی)

"گودفروا دمونین" محقق و مترجم مقدمه الشعر و الشعراء، درباره ابن قتیبه و کتابش می‌گوید: «اگر مقدمه‌ای که ابن قتیبه در آغاز کتاب شعر و شعراء خویش قرار داده است به زبان فرانسه برگردانده شود، بدون شک مقداری از لطافت خود را که مدیون این زبان بی‌آلایش و دل انگیز و در عین حال پیچیده است، از دست می‌دهد. با وجود این امید است که این مقدمه، به عین پرتوی که بر روی مفاهیم انتقاد در مجامع عراقی قرن نهم مسیحی می‌افکند، فایده‌ای چند در برداشته باشد.

این مقدمه، سرآغازی است بر گلچین اشعار و نحوه زندگی شعراء عرب و امروز یکی از کهن‌ترین کتاب‌های موجود به شمار می‌آید. نویسنده، کتاب را در زمانی نوشته است که آمیزش نژادها و فرهنگ‌ها، در اثر تعلیمات و قوانین اسلام، محیطی به وجود آورده بود که از احساسات شدید و اندیشه‌های نو آکنده بود و انگار که هم به لادائز جهانی و هم به فضائل روشنفکری سرمست گشته بود... ابن قتیبه، چه در شرق و چه در غرب و در تمام دوره‌ای که اصطلاحاً قرون وسطی می‌نامیم، عالی‌ترین نمونه یک دانشمند است.

وی مردی بود که بر تمام علوم زمان خویش محیط گشته، آنها را همراه با ملاحظات مختصر خود به اطراف می‌پراکند. همان‌طور که مناسب حال چنین مردانی است، زندگی او نیز ناشناخته و مرموز مانده است و محققین از حوادث آن بی‌اطلاع‌اند؛ تنها می‌دانند که او در سال 213 هجری در بغداد یا در کوفه از پدری ایرانی نژاد و زاییده مرو تولد یافته است. به همین جهت است که به او نسبت مروزی نیز داده‌اند و چون مدت چندین سال قضاوت دینور را بر عهده داشته است، او را دینوری می‌خوانند».

منابع:

1. کارنامه اسلام، عبدالحسین زرین کوب
 2. الفهرست، ابن ندیم، ترجمه محمدرضا تجدد
 3. منابع تاریخ اسلام، رسول جعفریان
 4. هدیه الاحباب، شیخ عباس قمی
 5. الکنی و الالقاب، شیخ عباس قمی
 6. وفيات الاعیان، ابن خلکان
 7. الشعر و الشعرای ابن قتیبہ در آیین نقد ادبی، آذرتاش آذرنوش
 8. المعارف، ابن قتیبہ دینوری
- هادی شاملو